

عنوان مقاله:

تحلیل مولفه های ذهن گرایی در رمان بوف کور

محل انتشار:

پژوهشنامه اورمزد، دوره 12، شماره 52 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسندگان:

مصطفی درویش وند - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته نویسندگی

مجید شریف خدایی - عضو هیئت علمی دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

خلاصه مقاله:

نویسندگان درام های مدرن برای رهایی از ناهنجارهای تمدن جدید به دنیای درون و ذهن که بسگسترده تر از دنیای بیرون است روی می آورند و به جای نمایش جدال های بیرونی و اجتماعی افراد انعکاس دنیای درون و محتوایات ذهنی شخصیت ها را مورد توجه قرار می دهند. واضح است که باگسترش روانشناسی و دریافت عمق و پیچیدگی روان انسانها، ورود به دنیای ذهنیات با همان تکنیک های سابق درام نویسی امکان پذیر نبوده است بنابراین نویسندگان مدرن برای کشف و آشکارسازی ضمیر پنهان شخصیت ها به ابداع شیوه های جدید در درام نویسی روی می آورند. اینمقاله به روش کتابخانه ای نوشته شده است و با توجه به یافته های جدید درباب ماهیت ذهن و تکنیک های موجود برای انعکاس این یافته ها، یکی از مهم ترین آثار مدرن ذهن گرای فارسی، یعنی رمان بوف کور صادق هدایت، را مورد بررسی قرار میدهد. مطابق این پژوهش شخصیت، موقعیت، پیرنگ، ذهن و مفهوم به عنوان مولفه های اصلی درام، در رمان بوف کور مورد تحلیل قرار گرفته اند و بر طبق تحلیل این مولفه ها ساختار داستان رمان بوف کور در بستر ذهن گرایی قرار گرفته و تمام مولفه های داستان دارای رویکرد ذهنی هستند. برای دستیابی به این مهم نویسندگان از انواع تک نیک های انعکاس ذهن که با به کارگرفتن آن ها خواننده مستقیماً با عملکردهای ذهنی شخصیت مواجه می شود استفاده می کند تا منطق ذهن گرای رمان را به بهترین وجه به نمایش بگذارد. این امر البته پیچیدگی رمان را نیز در پی دارد پیچیدگی ای که باوجود تصور بسیاری از خوانندگان تعمد نویسنده نیست، بلکه در نتیجه نزدیک سازی ساختار رمان به ساختار ذهن به دست آمده است که با درک درست این ساختار می توان بر دشواری های موجود در این رمان فائق آمد.

کلمات کلیدی:

ذهن گرایی، بوف کور، داستان، ساختار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1546808>

